

طراحی الگوی روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی ایران

مهدی کشاورزی^{۱*}، محمد حسین یارمحمدیان^۲ و محمد علی نادری^۳

تاریخ دریافت: ۱۹/۰۸/۹۵ صص ۱۷۴-۱۵۷ تاریخ پذیرش: ۰۵/۰۲/۹۶

چکیده

یکی از وظایف مهم آموزش عالی، توانمندسازی دانشجویان در برابر چالش‌ها، تقاضاها و نیازهای آینده است. توسعه آینده‌پژوهی دانشجویان می‌تواند از طریق آموزش بهبود یابد، بنابراین می‌توان ادعا نمود که یکی از متغیرهای مهم، کیفیت روش‌های تدریس و یادگیری است که می‌تواند بر توسعه توانایی آینده‌پژوهی دانشجویان تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش طراحی روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی می‌باشد که به شیوه کیفی و با استفاده از راهبرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شد. در این راستا با استفاده از رویکرد هدفمند و بکارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته با ۱۴ نفر از متخصصان برنامه درسی و آینده‌پژوهی انجام شد، برای بدست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار MAXQDA 12 در طی سه مرحله، کدگذاری باز، کدگذاری نظری و کدگذاری انتخابی حاکی از ۱۵ مقوله کلی است که این مقاله یافته‌های مطالعه را در چارچوب مدل پارادایمی شامل: موانع، استراتژی‌ها و پیامدها تحلیل کرده است.

کلید واژها: برنامه درسی، آینده‌پژوهی، روش تدریس، آموزش عالی

^۱ دانشجوی دکترا، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲ استاد مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

^۳ دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

* نویسنده مسئول: keshavarzimehdi82@gmail.com

مقدمه

اثر بخشی نظام آموزشی همراه با رشد پژوهش‌های هر کشور از جمله شاخص‌های سنجش توسعه یافتگی محسوب می‌شود. از آنجا که قرن جدید با تغییر و تحولات سریع و عظیم در عرصه‌های مختلف مواجه است، نظام‌های آموزشی هر کشوری از جمله نظام آموزش عالی، برای تحقق شایسته اهداف خود باید بتواند ضمن شناسایی این تحولات و برنامه‌ریزی برای مواجهه با آن‌ها، دانشجویان را نیز به دانش و مهارت‌هایی مجهز سازد که بتوانند تحولات و مسایل آینده را شناسایی کنند و برای آن آماده گردند، چرا که اولین و مهم‌ترین وظیفه نظام آموزشی، آماده‌سازی دانشجویان برای نیازها، چالش‌ها و تقاضاهای آینده است (Sardar, 2010). بنابراین یکی از وظایف دانشگاه‌ها، توانمندی دانشجویان در عرصه‌های مختلف از جمله شناخت آینده یا آینده‌پژوهی است. عدم توانایی دانشجویان در مواجهه با تغییرات و تحولات آینده یکی از چالش‌هایی است که باعث شده است، دانشجویان در آینده سهم بازار کار را از دست بدهند (Masini, 2011). منشاء مطالعه آینده را می‌توان در کنده‌کاری‌های عهد باستان بر روی چوب، استخوان، سنگ و ظروف سفالی مشاهده کرد که با هدف انتقال اطلاعات یا حفظ سوابق صورت می‌گرفت (Maleki far et al., 2007: 19). توان پیش‌بینی آینده در همان اوان زندگی، خود را نشان می‌دهد، در واقع به محض درک این مهم از سوی نوزاد که گریه‌اش واکنش دیگران را در پی دارد، توان پیش‌بینی آینده رخ می‌دهد. بنابراین باید چنین گفت که اندیشیدن درباره آینده مقوله‌ای تازه نیست، این مقوله پدیده‌ای جهان شمول است که می‌توان ریشه آن را در دوران پیش از تاریخ بشر نیز جستجو کرد (Pedram, 2014). آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازند. آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که چگونه از دل تغییرات (یا عدم تغییرات) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد (Bell, 2011). آینده‌پژوهی را معادل لغت لاتین «فیوچر استادی» گرفته‌اند. کلمه‌ی جمع «فیوچر^۱» به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روش‌شناسی‌ها و به جای تصور «فقط یک آینده»، گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردورزانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده‌ی متصور» مبادرت می‌شود (Fateh Rad et al., 2013). به طور کلی در وضعیت کنونی جهان که تغییرات در همه زمینه‌ها به سرعت انجام می‌شود، آینده‌نگری و سازماندهی فعالیت‌های علمی برای پیش‌بینی آینده ضرورتی انکار ناپذیر است. در این راستا می‌توان ادعا نمود که اگر نظام آموزشی هر کشور مبتنی بر آینده‌نگری نباشد و توانایی آینده

¹ futures studies

² futures

نگری اعضای خود را ارتقا ندهد، قادر نخواهد بود تا برون‌داد چندان مفیدی ارایه دهد، چرا که با عدم بهره‌گیری از اصل آینده‌پژوهی بسیاری از فرصت‌های خود را بدون ارائه دستاورد قابل عرضه‌ای از دست می‌دهد (McLaughli., 2011). (Marzoughi et al., 2013) معتقد است که باید مهارت تفکر درباره آینده و شناخت آن را در دانشجویان ایجاد نمود، یعنی دانشجویان باید بتوانند توانایی تصور آینده مطلوب در رشته خود، مسایل و تغییرات محتمل و باور به توانایی خود در پاسخ به این آینده و تغییر در آن را داشته باشند. در واقع انتظار می‌رود دانشجویان ضمن تحصیل در دانشگاه، صرف نظر از رشته تحصیلی خود بتوانند علاوه بر داشتن درک مفهومی مناسب از آینده‌نگری، با برخی از روش‌های آینده‌پژوهی نیز آشنا شوند و ضمن توانمندی در انجام محاسبات لازم برای پیش‌بینی آینده، روحیه آینده‌نگری خوبی نیز داشته باشند و این توانمندی‌ها در دانشجویان پرورش یابد (Masini, 2011). چرا که آینده‌پژوهی به آن‌ها کمک می‌کند تا تصورات خود از آینده را محک بزنند و از این طریق کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد تا در برابر آینده منفعل نباشد و بتوانند فعالانه بر آینده اثرگذار باشند (Parsa et al., 2011). پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی بسیار نادر است. در برخی از این پژوهش‌ها به رابطه مثبت کیفیت مهارت‌ها و صلاحیت‌های استادان و محیط آموزشی (McLaughlin and Freed 2011) و (Mozaffari, 2010)، کیفیت برنامه درسی، کیفیت و نحوه آموزش با رشد توانایی آینده‌پژوهی دانشجویان اشاره شده است.

ماسینی (Masini, 2011) معتقد است که رشد توانایی آینده‌پژوهی دانشجویان می‌تواند از طریق آموزش در طی سال‌های تحصیل بهبود یابد، بنابراین می‌توان ادعا نمود که یکی از متغیرهای مهم که می‌تواند بر رشد توانایی آینده‌پژوهی دانشجویان تأثیرگذار باشد، کیفیت تجارب یادگیری آنان است. استاقتر (Slaughter, 2011) بیان می‌کند استراتژی‌های تدریس و یادگیری باز و نامحدود به مقابله با انضباط سنتی آموزش بر می‌خیزند. برنامه‌های درسی آینده محور به جای آموختن واقعیات بر فرآیندهای یادگیری چگونه یاد گرفتن تاکید می‌کند و توسعه مهارت‌ها و تلقی‌های متغیر درباره آینده را مهمتر از کسب دانش مطلق می‌داند (Hemmati et al, 2016, p66). سوهن و همکاران (Shacham & Od-Cohen, 2009) بیان می‌کنند که از طریق مشارکت در فرآیندهای یادگیری مادام‌العمر، گفتمان حرفه‌ای منجر به ارتقای گفتمان دانشگاهی می‌شود و یادگیری جمعی در طول دوره و بعد از آن و با مشارکت در تحقیقات و توسعه کارهای عملی و نیز انتشار مقاله و کتاب منجر به افزایش دانش می‌شود و بر ارتقای فرهنگ جامعه و دانشگاه تأثیر می‌گذارد. کولب (Kolb, 2005) بیان می‌کند که انتخاب شیوه‌های متنوع تدریس براساس سبک یادگیری دانشجویان و به کارگیری گستره وسیعی از فعالیت‌ها و استراتژی‌های آموزشی، موفقیت بیشتر برنامه‌های درسی و کیفیت بهتر آموزش را تضمین می‌کند.

همچنین تحقیقات متعددی نیز در زمینه عوامل موثر بر فرایند یاددهی - یادگیری انجام شده است. مانند، تاثیر فضا و جو آموزشی (Wilson & Fowler, 2005)، تاثیر شیوه‌های ارزشیابی (Leung, Mok & Wong, 2008)، بررسی میزان استفاده دانشجویان از مهارت‌های مطالعه و یادگیری و رابطه آن با وضعیت تحصیلی آنان (Torkzadeh et al., 2015)، رابطه بین جهت‌گیری انگیزشی و راهبردهای یادگیری در تبیین موفقیت تحصیلی (Samadi, 2012)، آمادگی خودراهبری در یادگیری و سبک‌های یادگیری (Safavi, Shushtar Zadeh and Yarmohammadian, 2010) و نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحول فرایند یاددهی یادگیری (Najafi, 2010)، معنادار بودن یادگیری (Haqqani, 2005)، یادگیری مادام‌العمر و یادگیری چگونه یاد گرفتن (Asarzaghan, 2005)، همچنین به رابطه مثبت توانایی آینده‌پژوهی بر موفقیت تحصیلی و اینکه از بین تمام ابعاد بیشترین میانگین مربوط به روحیه آینده‌نگری است، نیز توجه شده است (parsa et al, 2011).

تحقیقات انجام شده در زمینه یاددهی - یادگیری اغلب بر چارچوب‌ها، سبک‌ها، مهارت‌ها و راهبردهای یادگیری متمرکز بوده و بیشتر گرایش به گذشته و زمان حال دارند، اما در هیچ یک از تحقیقات صورت گرفته در فرایند یاددهی - یادگیری، آینده پژوهی و آینده نگری مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. بنابراین ضروری است رویکردی مبتنی بر آینده‌پژوهی و نگرشی جدید در زمینه یاددهی - یادگیری در قالب یک نظام آموزشی پویا توسعه داده شود. در جستجوی انجام شده توسط نگارندگان چنین نظام آموزشی پویایی در زمینه یاددهی - یادگیری و مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی یافت نشد. این تحقیق نیز با همین هدف انجام شده و از طریق تئوری کردن نظرات متخصصین حوزه برنامه‌ریزی درسی و آینده‌پژوهی تلاش شده است تا موانع، راهکارهای مناسب و پیامدهای تدوین روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی ایران برای برنامه درسی شناسایی و ارائه گردد. سوالات تحقیق عبارتند از:

- چه موانعی در تدوین روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش عالی برای ارتقای آینده‌پژوهی وجود دارد؟
- چه راهبردهایی در تدوین روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش عالی موجب توسعه آینده‌پژوهی می‌شوند؟
- پیامدهای حاصل از طراحی روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی چه خواهد بود؟
- آیا می‌توان مدلی را برای تدوین روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی طراحی نمود؟

روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی کیفی بود که در آن با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی را بررسی و الگوی مفهومی ارائه شد. رویکرد نظریه داده بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام کنند. این نظریه‌ها و گزاره‌ها به صورت نظام‌مند و براساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود (Corbin & Strauss, 2014), (Strauss & Corbin, 1990). در واقع رویکرد نظریه داده بنیاد روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آن‌ها پژوهش جامع و عمده‌ای انجام نشده است و دانش کنونی در آن زمینه محدود است (Razavi and et al, 2013: 259). محیط پژوهش شامل اساتید رشته برنامه‌ریزی درسی و آینده‌پژوهی که در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به تدریس مشغول بودند. به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان از نمونه‌گیری نظری به شیوه هدفمند استفاده شد، هدف پژوهشگر انتخاب مواردی بود که با توجه به هدف پژوهش سرشار از داده بوده و پژوهشگر را در شکل‌دادن مدل نظری خودیاری دهند و این کار تا جایی ادامه یافت که طبقه‌بندی مربوط به داده‌های اشباع و نظریه موردنظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شد. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده در طول فرآیند مصاحبه به وسیله فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی به دست آمده و تحلیل شده است و با استفاده از نرم‌افزار حرفه‌ای مکس کیودی ای ۱۲^۱، داده‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مصاحبه فردی با متخصصان برنامه‌ریزی درسی و آینده‌پژوهی تا زمان اشباع داده‌ها که مصاحبه با ۱۴ نفر بود، ادامه یافت. زمان هر مصاحبه بین ۵۰ تا ۸۰ دقیقه بود. جهت بررسی روایی و پایایی داده‌ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت‌کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

در کدگذاری باز مجموعاً ۱۰۷ کد مفهومی از تمامی نظرات مصاحبه‌شوندگان به دست آمد. مفاهیم به دست آمده با یکدیگر مقایسه شد و مفاهیمی که از لحاظ معنایی با یکدیگر تناسب داشتند و بر موضوع واحدی دلالت می‌کردند به صورت یک مقوله در آمدند و نامی برای آن‌ها در

¹ MAXQDA 12

نظر گرفته شد. برای نام‌گذاری مقولات چنانچه مقوله مدّ نظر دارای نامی واضح و مفهومی شناخته شده در منابع تئوریک بود از آن نام استفاده شد تا از استنباط متفاوت افراد در زمان مطالعه نتایج جلوگیری به عمل آید. سپس مفاهیمی که با هم مرتبط بودند در کنار هم قرار گرفتند و تشکیل مجموعه جدیدی را دادند. در کدگذاری محوری مفاهیم سطح دوم به دست آمدند. با این روند تعداد مفاهیم کاهش چشمگیری پیدا کرد. در آخرین مرحله، مقوله اصلی تحقیق یعنی تدوین اهداف در کدگذاری انتخابی شناسایی شد.

برای ترسیم مدل پارادایمی ۱۰۷ کد به دست آمده به سه بخش موانع، راهبردها و پیامدها تقسیم شدند. تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۱۵ و در سطح دوم به ۴ کد، در مبحث استراتژی‌ها از ۷۵ به ۷ کد و پیامدها از ۱۷ به ۴ کد تقلیل یافت. شکل زیر یافته‌های تحقیق را در مدل پارادایمی نشان می‌دهد.

۱. موانع

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۱۵ و در سطح دوم به ۴ کد شامل: «انگیزه پایین اساتید در کسب دیدگاه‌های نوین و نویدبخش درباره آینده، استفاده ناصحیح از حیطه‌های سه‌گانه تدریس در آینده پژوهی، یکسان‌نبودن رویکرد اساتید در آینده پژوهی، عدم توجه دانشجویان به شیوه تفکر نظام‌مند درباره آینده» در ادامه، هریک از زیرمقوله‌ها با یک نمونه از اظهارات مصاحبه شونده‌گان ارائه شده است:

انگیزه پایین اساتید در کسب دیدگاه‌های نوین و نویدبخش درباره آینده

متأسفانه انتصاب‌های علمی و ارتقای شغلی اساتید به میزان زیادی بر اساس بازده پژوهشی است و با توجه به مهارت‌های آن‌ها در تدریس نیست. بنابراین اساتید برای توسعه مهارت‌های خود و یا ارتقای کیفیت تدریس از انگیزه کمی برخوردارند. این مساله زمانی حل می‌شود که کیفیت تدریس، ارزشیابی و بازده یادگیری به اولویت اصلی موسسات تبدیل شود. (مصاحبه شونده شماره ۱۳).

استفاده ناصحیح از حیطه‌های سه‌گانه تدریس در آینده پژوهی

برای مثال بلوم در بحث ارزشیابی می‌گوید ما باید موقعی که از دانشجو یا دانش آموز ارزیابی به عمل می‌آوریم پنج حیطه را ارزیابی کنیم یعنی حیطه دانش، فهم و درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی این حوزه شناختی است اما در دانشگاه‌ها متأسفانه فقط در سه حیطه اول حوزه شناختی مانده‌ایم و متأسفانه در حیطه عاطفی و روانی - حرکتی این حیطه‌ها را هم اجرا نمی‌کنیم. (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

یکسان نبودن رویکرد اساتید در آینده‌پژوهی

پس ایراد اول یا مشکل و آسیبی که ما در آینده‌پژوهی در دانشگاه‌ها داریم، یکی تفاوت رویکردهای ما با یکدیگر است، پس باید رویکردهایمان را یکسان کنیم و ببینیم از چه رویکردی استفاده می‌کنیم (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

عدم توجه دانشجویان به شیوه تفکر نظام‌مند درباره آینده

متأسفانه در بعضی مواقع، ما تفکر کردن حال نگری را حتی برای دانشجویان فراهم نمی‌کنیم. مثلاً دانشجو نمی‌داند به دنبال چه چیزی برای تحصیل آماده و قرار است بعد از فراغت از تحصیل چه کاری را می‌خواهد انجام دهد و این با هدف آموزش عالی در غالب تربیت افراد متخصص در تناقض است (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

۲. استراتژی‌ها

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۷۵ و در سطح دوم به ۷ کد شامل: «توجه به مبانی فلسفی آینده‌پژوهی، استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی منتقدانه، استفاده از هوش راهبردی، ضرورت تفکر در مورد آینده به عنوان یک عمل تربیتی، توجه به مفاهیم و اصول تدریس آینده در کلاس درس، مهارت‌های منتقدانه و تفسیری از آینده، آشنا کردن اساتید با شاخص‌های آینده‌نگری» در ادامه، هریک از زیر مقوله‌ها با یک نمونه از اظهارات مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است:

توجه به مبانی فلسفی آینده‌پژوهی

با باور من هر رویکردی مبتنی بر مبانی فلسفی و جهان‌بینی خاصی می‌باشد، در واقع رویکردها نمی‌توانند بدون پشتوانه‌های فلسفی باشند چرا که جهت‌گیری‌های هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و ارزشی خاصی را باید همراهی کنند، پس آینده‌پژوهی می‌تواند رویکردی باشد که متأثر از مبانی فکری و فلسفی پست مدرنیسم است و در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی نیز متأثر از این مبنای فلسفی پست‌مدرنیسمی باشد. اگرچه همه پست مدرنیست‌ها نیز خوش‌بینی چندانی به مطالعات آینده‌پژوهانه ندارند اما طرفداران دیدگاه‌های انتقادی و نومفهوم‌گرایان آینده را به عنوان یک حقیقتی که وجود دارد، می‌پذیرند و مربیان و متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی را ضمن توجه به زمان حال از ماندن در گذشته نهی می‌کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی منتقدانه

روش‌هایی که در این زمینه توصیه می‌شود روش گروه‌بندی، روش گروهی، پروژه‌ها و تکالیف، روش‌های حل مساله شیوه‌های جدید تفکر را می‌آموزد و تکنیک‌های جدید بارش مغزی می‌تواند در این زمینه موثر باشد. بارش مغزی در واقع به اشتراک گذاشتن افکار و ایده‌ها در گروه می‌تواند ایده‌های جدیدی را به وجود بیاورد و خلاقیت شکل گرفته و جرقه موضوع مهمی برای آینده باشد. در واقع روش‌های مشارکتی می‌تواند موثر باشد. در این روش می‌توان فکر افراد را درگیر مسائل مختلف و به تفکر انتقادی دعوت کند. تفکر منطقی می‌تواند موثر باشد. همه چیز را نمی‌توان پذیرفت و باید بر روی آن فکر کرد (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

استفاده از هوش راهبردی

ما باید در آموزش عالی به تمام نکات یک دانشجو توجه کنیم، ارزش‌هایی که در آینده ممکن است بخواهد به آن دسترسی پیدا کند. یک دانشجویی در آموزش عالی دارای هوش راهبردی است که هشت نوع هوش از قبیل هوش کلامی، عاطفی، منطقی، طبیعت گرایانه، درون فردی، محاسباتی، کامپیوتر و فناوری و هوش مهارت‌های اجتماعی داشته باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

ضرورت تفکر در مورد آینده به عنوان یک عمل تربیتی

به نظر می‌رسد ایجاد مراکز مطالعات و تحقیقات آینده‌نگر می‌تواند در نگرش توسعه پایدار، شناخت و پیش‌بینی آینده و دوراندیشی در برخورد با تحولات آینده بسیار با اهمیت باشد. در کشور ما که جز کشورهای در حال توسعه است، به علت محدود بودن نیروهای علمی خارج از دانشگاه‌ها و مراکز علمی، ضروری است که دانشگاه‌ها سهم مناسبی از فعالیت‌های خود را به مطالعات آینده پژوهی اختصاص دهند. تفکر در مورد آینده به عنوان یک عمل تربیتی ضروری است (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳).

توجه به مفاهیم و اصول تدریس آینده در کلاس درس

روش‌های کهنه باید فراموش شوند و مدیریت کلاس باید مشارکتی باشد. همه افراد (استاد و دانشجویان) باید مسئول یادگیری یکدیگر باشند. به دلیل حجم مطالب، تأکید بر اصول اساسی خواهد بود. دیگر مطالب جزئی کارساز نخواهد بود. در کلاس‌های آینده، اهداف مبتنی بر زندگی فرد(اکنون و آینده) است. باید کلاس‌ها، آمادگی استفاده از ظرفیت‌هایی که تکنولوژی‌های جدید فراهم می‌کند را داشته باشد (بتواند از ظرفیت‌ها استفاده کند). تأکید کلاس‌های آینده بر راهبردهای فراشناختی، خودگردانی و انگیزشی خواهد بود (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲).

مهارت‌های منتقدانه و تفسیری از آینده

من معتقدم که چهار مهارت کلیدی برای موفقیت در آینده فارغ‌التحصیلان آموزش عالی وجود دارد که عبارتند از: مهارت‌های ارتباطی، محاسباتی، استفاده از تکنولوژی اطلاعات و یادگیری چگونه یاد گرفتن است. همه موسسات آموزش عالی باید به دانشجویان در دست یافتن به این اهداف کمک کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

آشنا کردن اساتید با شاخص‌های آینده‌نگری

باید در دوره‌های بهسازی اعضای هیات علمی آشنایی اساتید با شاخص‌های آینده‌نگری، استفاده از سناریونویسی و آشنایی با نرم‌افزارهای آموزشی لحاظ شود (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

۳. پیامدها

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص پیامدها ۱۷ و در سطح دوم به ۴ کد شامل: «کاربرد آینده پژوهی به‌عنوان یک رویکرد کلی در تدریس، در نظر گرفتن فراگیران به‌عنوان سرمایه اجتماعی برای موفقیت آینده، تاسیس مرکز یادگیری در کمک به مطالعه مطالب درسی متنوع راجع به آینده، مهم بودن ترسیم آینده برای دانشجویان». در ادامه، هریک از زیرمقوله‌ها با یک نمونه از اظهارات مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است:

کاربرد آینده‌پژوهی به‌عنوان یک رویکرد کلی در تدریس

آینده‌پژوهی را می‌شود از دو دیدگاه مدّ نظر قرار داد یک بحث تربیت افراد آینده‌پژوه است که می‌توان یک برنامه درسی مبتنی بر آینده‌پژوهی نوشت. اما موضوع دیگری که می‌تواند مدّ نظر این تحقیق باشد، این است که می‌توانیم یک رویکردی در تدریس و آموزش داشته باشیم که در واقع این رویکرد در تدریس به پیش‌بینی آینده توجه داشته باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

در نظر گرفتن فراگیران به‌عنوان سرمایه اجتماعی برای موفقیت آینده

توانمندسازی اساتید و فراگیران در حوزه‌های متفاوت و سرمایه‌گذاری و هزینه در دوره‌های مختلف آموزشی می‌تواند مناسب باشد. باید به فراگیران به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی در آموزش عالی توجه شود. هر نظام آموزشی برای پویایی و بالندگی باید نگاه به آینده داشته باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

تاسیس مرکز یادگیری در کمک به مطالعه مطالب درسی متنوع راجع به آینده

تاسیس مراکز تدریس و یادگیری در دانشگاه‌ها می‌تواند منابع مهمی برای اعضای هیات علمی در تمامی دانشکده‌ها باشند و به دانشکده‌ها در حل مشکلات کلاس و برنامه تحصیلی کمک کند و برای اعضای هیات علمی و مدرسان جدید برنامه‌ریزی نمایند و در طراحی دروس و ارزشیابی‌ها به آن‌ها کمک کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳).

مهم بودن ترسیم آینده برای دانشجویان

من اعتقاد دارم که ترسیم آینده برای همه دانشجویان مهم است. من معتقدم که ضرورت دارد، دانشجویان به‌عنوان یکی از عناصر اصلی حوزه برنامه درسی، با این مباحث آشنا شوند (مصاحبه شونده شماره ۵).

مدل پارادایمی تحقیق که در واقع از تلفیق و یکپارچگی مقوله اصلی و موانع و راهبردهای اجرایی و پیامدهای آنها به وجود آمده به شرح زیر تدوین شده است (نمودار شماره ۱).

Archive of SID



نمودار ۱. مدل پارادایمی برای تدوین روش‌های تدریس برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سوال اول پژوهش (چه موانعی در تدوین روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش عالی برای ارتقای آینده‌پژوهی وجود دارد؟) یافته‌ها نشان می‌دهد که مشغله‌های اجرایی اساتید و

نگذاشتن وقت کافی برای تدریس و اهمیت ندادن اساتید به دیدگاه‌های جدید در تدریس و عدم استفاده از یادگیری فعال و مشارکتی و نداشتن قدرت تحلیل در امور درباره آینده از جمله مواردی هستند که مانع ارتقای آینده‌پژوهی در آموزش عالی می‌شوند و مصاحبه‌شوندگان بر روی آن تاکید دارند.

تشابه نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های پژوهشی هیکس (Hicks, 2008)، محمودزاده و محبوب فر (Mahmoud Zadeh and mahboubfar, 2012)، اسلاتر و همکاران (Slaughter et al, 1996:171) و محمدی و همکاران (Mohammadi et al, 2010) تنکابنی و همکاران (Tonkaboni et al, 2016) (Tonkaboni et al, 2013)، همخوانی دارد.

هیکس (Hicks, 2008) عنوان می‌کند که ماهیت مطالعات آینده‌پژوهی به احتمال زیاد درست فهمیده نمی‌شود و اساتید در دانشگاه‌ها آن را ضروری و مفید نمی‌دانند. اسلاتر و همکاران (Slaughter et al, 1996) بیان می‌کنند که نظام‌های آموزشی به اندازه کافی به رسالت خود، یعنی تجهیز دانشجویان به دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت موثر در جامعه امروز و آینده نپرداخته‌اند. محمودزاده و محبوب‌فر (Mahmoud Zadeh and mahboubfar, 2012) مهمترین چالش اصلی نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آینده‌پژوهی، را نا آگاهی و ضعف بینش نخبگان جامعه نسبت به این موضوع دانسته‌اند. محمدی و همکاران (Mohammadi et al, 2010) تاکید بر یادگیری فعال و مشارکتی را در ارتقای آینده‌پژوهی مهم دانسته‌اند. تنکابنی و همکاران (Tonkaboni et al, 2016)، (Tonkaboni et al, 2013) عنوان می‌کنند که روش‌های تدریس باید بیشتر به سمت یادگیری و تدریس فعال حرکت کند.

به طور کلی «انگیزه پایین اساتید در کسب دیدگاه‌های نوین و نویدبخش درباره آینده، استفاده ناصحیح از حیطه‌های سه‌گانه تدریس در آینده‌پژوهی، یکسان نبودن رویکرد اساتید در آینده پژوهی، عدم توجه دانشجویان به شیوه تفکر نظام‌مند درباره آینده» از جمله موانعی بودند که مصاحبه‌شوندگان بیان نمودند.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش (چه راهبردهایی در تدوین روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش عالی موجب توسعه آینده‌پژوهی می‌شوند؟) بنابر گفته مصاحبه‌شوندگان «معلم و دانش آموز و محتوا با هم ارتباط دارند. ما وقتی بحث آینده‌پژوهی می‌کنیم دانش‌آموز باید فعال باشد و معلم باید از روش‌های متفاوت تدریس استفاده کند. وقتی بحث آینده‌پژوهی مطرح می‌شود آن فردی که ما می‌خواهیم، تربیت کنیم باید یک سری خصیصه‌ها مانند خلاقیت و تفکر انتقادی داشته باشد. بنابراین محتوایی که طراحی می‌کنیم باید محتوایی باشد که دانش‌آموزان ما را به سمت مهارت خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت سوال پرسیدن ببرد و این مهارت‌ها را کسب کند و

خود معلم هم جایگاه خاصی پیدا می‌کند یعنی معلم نمی‌تواند تنها عنصر کلاس باشد و بیشتر جنبه تسهیل‌کننده یادگیری را دارد و در کنار دانش‌آموز می‌تواند قرار بگیرد».

نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های پژوهشی هیکس (Hicks, 2002)، بیزی (Bussey, 2016)، پاریش (parish, 2016) همخوانی دارد.

هیکس (Hicks, 2002)، در پژوهش خود به انگیزش دانش‌آموزان، پیش‌بینی تغییر، تفکر انتقادی، روشن کردن ارزش‌ها، تصمیم‌گیری، تخیل خلاق، شهروند پاسخگو می‌پردازد. بیزی (Bussey, 2016) در پژوهش خود بیان می‌دارد که در کلاس درس، احساسات تحت تاثیر تمام جنبه‌های یادگیری از جمله توجه، انگیزه، علاقه، حافظه، خلاقیت، و تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین، توانایی تنظیم احساسات، یک مهارت بسیار مهم برای معلمان و دانش‌آموزان برای موفقیت در آینده است. پاریش (Parish, 2016) نیاز به تدریس با کیفیت و یادگیری آینده-نگر و دانش‌آموز محور را مورد توجه قرار داده‌اند.

به طور کلی «توجه به مبانی فلسفی آینده‌پژوهی، استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی منتقدانه، استفاده از هوش راهبردی، ضرورت تفکر در مورد آینده به عنوان یک عمل تربیتی، توجه به مفاهیم و اصول تدریس آینده در کلاس درس، مهارت‌های منتقدانه و تفسیری از آینده، آشنایی کردن اساتید با شاخص‌های آینده‌نگری» از جمله استراتژی‌های بودند که مصاحبه‌شوندگان بیان نمودند. در پاسخ به سوال سوم پژوهش (پیامدهای حاصل از طراحی روش‌های تدریس برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی چه خواهد بود؟)

بنابر گفته‌های مصاحبه‌شوندگان «آینده‌پژوهی بیشتر به عنوان یک رویکرد مطرح است. با توجه به جامعه فعلی و انفجار اطلاعات و نیازهایی که امروزه با آن برخورد می‌کنیم و مسائل متفاوت که داریم باید آینده‌پژوهی را به عنوان یک رویکرد کلی نه یک مولفه در تدریس نظر بگیریم».

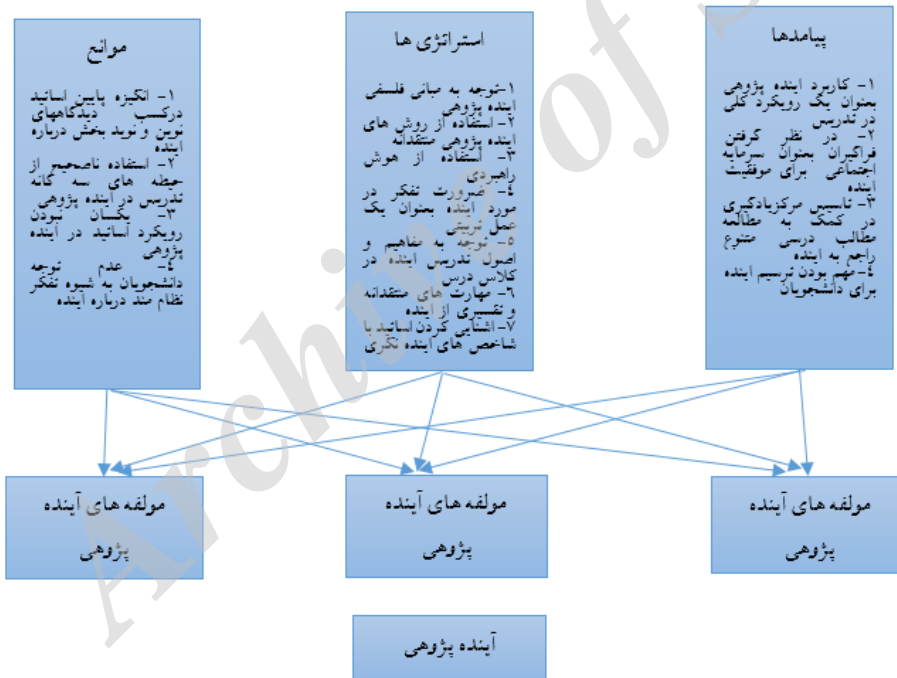
تشابه نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های معروفی و کرمی (Maroofi and Karami, 2015)، مرزوقی و همکاران (Marzoughi et al., 2013)، همتی و همکاران (Hemmati et al, 2016)، همخوانی دارد.

معروفی و کرمی (Maroofi and Karami, 2015) در یافته‌های خود بیان می‌دارند که آماده‌کردن دانشجویان در برابر تغییرات سریع اجتماعی و فناوری‌های جدید یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت و آموزش عالی است. مرزوقی و همکاران (Marzoughi et al., 2013)، بیان می‌کنند که تغییر در روش‌های تدریس می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر روی آینده‌پژوهی دانشجویان داشته باشد. همتی و همکاران (Hemmati et al, 2016) بیان می‌کنند که تجهیز دانشجویان به دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت موثر در جامعه چه در زمان حال و چه در زمان آینده ضروری است.

به طور کلی «کاربرد آینده پژوهی به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس، در نظر گرفتن فراگیران به عنوان سرمایه اجتماعی برای موفقیت آینده، تاسیس مرکز یادگیری در کمک به مطالعه مطالب درسی متنوع راجع به آینده، مهم بودن ترسیم آینده برای دانشجویان» از جمله پیامدهایی بودند که مصاحبه‌شوندگان مطرح نمودند.

در پاسخ به سوال چهارم پژوهش (آیا می‌توان مدلی را برای تدوین روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی طراحی نمود؟) مدل نهایی تحقیق که در واقع از تلفیق و یکپارچگی مقوله اصلی، موانع، راهبردهای اجرایی و پیامدهای آن‌ها به وجود آمده به شرح زیر تدوین شده است (نمودار شماره ۲).

مدل نهایی تحقیق که در واقع از تلفیق و یکپارچگی مقوله اصلی و موانع و راهبردهای اجرایی و پیامدهای آن‌ها به وجود آمده به شرح زیر تدوین شده است (نمودار شماره ۲).



نمودار ۲. طراحی الگوی تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی ایران

با توجه به مدل نهایی طراحی الگوی تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی، طراحان برنامه درسی باید مولفه‌های آینده‌پژوهی را در تدریس آموزش عالی در نظر بگیرند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی به ویژه در فعالیت‌های یاددهی- یادگیری، برای رسیدن به

جزئی‌ترین اهداف یک واقعیت انکارناپذیر است. شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده آموزش عالی، نیاز اساسی طراحان و برنامه‌ریزان درسی است، که از طریق مطالعات آینده‌پژوهی پاسخ داده می‌شود. بنابراین از آن جایی که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد، می‌بایست با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود تا برنامه‌های درسی آموزش عالی با غنای کامل و عملی خود بتوانند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی‌های پرشتاب آینده پاسخ دهند. بنابراین می‌توان با توجه به موانع، استراتژی‌ها و پیامدهای موجود می‌توان برنامه درسی را تدوین نمود تا به دانشجویان در برابر موقعیت‌های نامتعادل یاری رساند.

پیشنهادات کاربردی

در ضمن موارد زیر در طراحی روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی پیشنهاد می‌گردد:

- برای رشد و توسعه آینده‌پژوهی و روش‌های آموزش آن، کارگاه‌های آموزشی جهت آشنایی اساتید برگزار شود.
- از روش‌های تدریس مبتنی بر تفکر خلاق، انتقادی و بارش مغزی استفاده شود و از روش‌های منفعلانه و سنتی تدریس پرهیز شود.
- توجه به حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی حرکتی به صورت یکسان و پرهیز از توجه بیش از حد به یک حیطه خاص در تدریس.
- تجهیز دانشجویان به دانش و مهارت‌های لازم برای مقابله به آینده از طریق تقویت قوه تخیل و خلاقیت.
- استفاده از مولفه‌های آینده‌پژوهی در تدریس

References

- Asarzagdegan, N. (2005). Ideal Education based on knowledge age in society. Conference of teacher in knowledge society age. Isfahan: Ministry of Education. [In Persian]
- Bell, W. (2011). Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and the Good Society. Transaction Publishers.
- Bussey, M. (2016). The Hidden Curriculum of Futures Studies: Introducing the Futures Senses. World Future Review, 8(1), 39-45.
- Corbin, J., Strauss, A., & Strauss, A. L. (2014). Basics of qualitative research. Sage.
- Fateh Rad, Mahdi et al. (2013). Introduction to the epistemological foundations and swimming Methods Thirty future research. Future Studies, Issue eighth, pp. 52-27. [In Persian]

- Freed, P. E., & McLaughlin, D. E. (2011) . Futures thinking: preparing nurses to think for tomorrow. *Nursing education perspectives*, 32(3) , 173-178.
- Haghani, f. (2005) . Classroom management and communication skills with students. [In Persian]
- Hemmati, A., Goodarzi, M. A., & Hajiani, I. (2016) . FUTURES STUDIES, NECESSITIES OF EDUCATION SYSTEMS. [Volume 26, Issue 103](#), Page 59-67 [In Persian]
- Hicks, D. (2002) *Lessons for the Future. The Missing Dimension in Education*. NY and London: RoutledgeFalmer;
- Hicks, David.A. (2008) . *Futures Perspective: Lessons from the school room*. Sense Publishers Rotterdam.
- Kolb, A. Y. (2005) . *The Kolb learning style inventory-version 3.1 2005 technical specifications*. Boston, MA: Hay Resource Direct, 200, 72.
- Leung SF, Mok E, Wong D. (2008) the impact of assessment methods on the learning of nursing students. *Nurse Educ. Today*; 28(6) .pp 711-724
- Mahmoudzadeh, A. Mahboubfar, M. (2012) . Surveying the futurism field in the world and futuristic planning in the higher education system of Iran Islamic Republic. Set of articles related to the first national conference of futurism. Tehran. [In Persian]
- Malekifar, A. et al. (2014) .The art and science of discovering the future and shaping the desirable world in future.Tehran: karaneye elm. [In Persian]
- Maroofi, Y., & Karami, Z. (2015) . Providence and futures study: A approach to curriculum development. *International Online Journal of Educational Sciences*, 7(3) .
- Marzooghi R, Heidari E, Heidari M. (2014) . A Study of the Relationship between Qualities of learning Experience and Development of Students' Futures Research Ability. *Strides Dev Med Educ*. 11 (2) :131-138. [In Persian]
- Masini EB.(2011) . How to Teach Futures Studies: Some Experiences. *J Futures Study*; 15(4) : 111 –20.
- Mohamadi, M., Dehdari rad, T. (2010) . The evaluation of core competency college auto mechanic. *Curriculum Studies Association Iran. Fifth years Curriculum Studies Association Issue 19*. [In Persian]
- Mozaffari A.(2010) . Future studies of cross border context. *Journal of Order and Security Guards*; 4 (2) : 25-47. [In Persian]
- Najafi, H. (1389) . The role of ICT in the development of teaching-learning process. *Peak nour*, the ninth year, the first issue, pp. 51-59. [In Persian]
- Parrish, D. R. (2016) . Principles and a model for advancing futures studies and student focused. 2nd International Conference on Higher Education Advances (pp. 311 – 315) . València, Spain: Procedia - Social and Behavioral Sciences.
- Parsa A, keshavarzi F, Dehghan N. (2011) . Measure the effectiveness of education and educational success of the future capabilities (Case Study - Shahid Chamran University) . *Proceedings of the 1th Iranian International Conference of Management, Futurism, Entrepreneurship and industry in Higher Education*; Sanandaj, Iran. [In Persian]
- Pedram, A. (2014) . *futures Studies in glance* .Tehran: Organization of research and police studies. [In Persian]
- Razavi, Syd Mostafa et al. (2013) . *The induction to the mixed method*: Tehran University Press. [In Persian]

- Safavi M, Shoostari S, Mahmoodi M, Yarmohammadian M H. (2010) . Self-directed Learning Readiness and Learning Styles among Nursing Students of Isfahan University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education. 10 (1) :27-36. [In Persian]
- Samadi M. (2012) . Relationship between motivational orientation and learning strategies in predicting academic success. Education Strategy Med Sci. 5 (2) :105-111. [In Persian]
- Sardar Z. (2010) . The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic; foresight—what’s in a name? Futures 42(3) : 177-84.
- Shacham, M., & Od-Cohen, Y. (2009) . Rethinking PhD learning incorporating communities of practice. Innovations in Education and Teaching International, 46(3) , 279-292.
- Siraj, S., & Abdullah, M. R. T. L. (2011) . Development of Future Curriculum via Futures Studies. Online Submission.
- Slaughter, R. A. (1996) . New Thinking for a New Millennium. London: Rutledge.
- Slaughter, R. A. (2011) . The Integral futures controversy. Journal of Integral Theory and Practice, 6(2) , 105-111.
- Solati M, Javadi R, Hoseini Tashnizi S, Asghari, N. (2010) . Desirability of two participatory methods of teaching based on students' viewpoint, Hormozgan Medical sciences Journal. 14, 3, 191–197. [In Persian]
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990) .Basics of qualitative research: Techniques and procedures for Grounded theory .Newbury park, CA: Sage
- Tonkaboni, F., & Masumi, M. (2016) . Development of Teaching Plan in the Curriculum of Medical Sciences. International Journal of Learning, Teaching and Educational Research, 15(7) .
- Tonkaboni, F., Yousefy, A., & Keshtiaray, N. (2013) . The Relationship between the Curriculum of Higher Education and Social Capital. Journal of Education and Training, 1(1) , 39-47.
- Torkzade J, Keshavarzi F. (2016) . Relationship between Futurism and Educational Performance of students in Medical Sciences of Shiraz University: Mediation Role of Goal Orientation. Research in Medical Education. 7 (4) :3-12. [In Persian]
- Torkzadeh, J, Mohammadi, M; Sutoodehfar, S. (2015) . Developing and Validating of the Teaching-Learning Comprehensive System in Higher Education. Journal of curriculum research. Volume 4, Issue 2, Page 93-116. [In Persian]
- Valavi P, bagherpour S, shahsavari J. (2016) . Examining critical thinking in University graduate students. Research in curriculum planning. 2 (22) :184-192. [In Persian]
- Wilson K, Fowler J. (2005) Assessing the impact of learning environments on students' approaches to learning: Comparing conventional and action learning designs. Assessment and Evaluation in Higher Education; 30(1) .p 87-101